خلاصه ترجمه: نفت؛ فراوان اما کماکان منشأ دغدغه های بزرگ سیاسی/ گفتگو/

تیه ری دماره

حاتم، مجید

گفتگوی نشریهء لوموند با تیه‏ری دماره‏ (Thierry Desmarest) رئیس شرکت نفتی فرانسوی‏ توتال‏ مترجم:مجید حاتم‏ در پایان قرن نوزدهم‏"استاندارد اویل‏" آمریکا تأسیس شد و در آغاز قرن بیستم قانون‏ ضدتر است موجب فروپاشی این امپراطوری‏ نفتی گردید.آیا با توجه به ادغام‏های کنونی‏ شرکتهای نفتی،می‏توان گفت که تاریخ دوباره‏ تکرار می‏شود؟

-تصویر نمی‏کنم.در آن مقطع آمریکا به‏ تنهایی و یک‏تنه حاکم بلامنازع جهان نفت‏ بود،امپراطوری را کفلر تقریبا بر دنیای نفت‏ سیطره کامل داشت.هیچیک از این عناصر در روند فعلی نقش غالب ندارند.

در بخش نفت با وجود اعداد نجومی، بعضا انسان دچار اشتباه و سردرگمی می‏شود. علی‏رغم ادغام‏های اخیر هنوز هم صنعت‏ نفت متمرکز عمل نمی‏کنند.مثلا "اکسون-موبیل‏"،که اخیرا به شرکت شماره‏ یک جهان نفت مبدل شده است تنها حدود 4% تولید نفت جهان را در اختیار داشته و در بازار اروپا و آمریکا فقط 15% پالایش و توزیع را تحت کنترل دارد.

8 شرکتی که بزرگترین شرکتهای‏ بین المللی دنیا هستند جمعا فقط 15% تولید جهانی نفت را در دست دارند.این هم‏ حقیقت دارد که در طی یکسال گذشته شمار بزرگترین کمپانی‏های بین المللی نفت جهان از 11 شرکت و 8 شرکت رسیده است.اکنون‏ فقط 3 شرکت بسیار بزرگ(اکسون،شل و بی‏پی)وجود دارد و بدنبال آنها تنها 5 شرکت‏ دیگر(شورون،توتال،تگزاکو،انی و الف) حضور دارند.تصور نمی‏کنم بین 3 شرکت‏ اول‏"ادغام‏"صورت پذیرد،چرا که این امر به‏ یکباره مشکلات عدیده‏ای از حیث تمرکز برای آنها بوجود خواهد آورد.در بین گروه‏ دوم امکان تحکیم حلقه‏های واسط وجود دارد.

نباید فراموش کرد که در کنار این 8 شرکت بزرگ بازیگران جدیدی به صحنه‏ آمده‏اند که برای مثال می‏توان از شرکتهای‏ ملی«نفت»کشورهای تولیدکننده که‏ بین المللی شده‏اند،نام برد.

رقم گردش مالی این شرکتهای‏ بین المللی بسیار بالاتر از رقم تولید ناخالص‏ ملی بسیاری از کشورها است.آیا این تغییر اندازه شرکت‏ها می‏تواند عوامل برهم‏زننده‏ رابطه شرکتها و دولت‏ها باشد؟

-من اینطور استنباط نمی‏کنم.با اینکه‏ شرکت‏ها از یک قدرت فوق العاده زیاد مالی‏ برخوردارند لیکن مجاز به انجام هرکاری هم‏ نیستند.چرا که این شرکت‏ها باید به‏ سهام‏داران خود حساب پس بدهند و در این‏ رابطه مقرارت شدیدی بر آنها حاکم است که‏ اجازه سرمایه‏گذاری در هرطرح دلخواهی را به ایشان نمی‏دهد.فراموش نکنیم که همواره‏ عواملی وجود دارد که با نقش‏آفرینی جدید موجب پدید آوردن رقابت‏های نوینی در صحنه شده و این امر مانع از استیلای‏ شرکت‏ها بر دولت‏ها می‏گردد.

اوپک به تراست دولت‏ها تبدیل شده، آیا نباید از جایگزینی آن با تراست خصوصی‏ ترس داشت؟

-در بازار نفت،این شرکتهای خصوصی‏ هستند که در عمل،مسئولیت عملیات را به‏ عهده داشته و باز هم در آینده به عهده خواهند داشت.اما در شکل‏گیری قیمت‏ها،مطالب‏ دیگری تعیین‏کننده هستند.از جنبه‏های‏ متعددی بازار نفت تقریب‏"یک بازار کامل‏ است چون طبق نظریه‏های اقتصادی از عوامل گوناگونی برخوردار است که هریک‏ به صورت شفاف در زمینه قیمت‏ها ایفای‏ نقش می‏نمایند.سازمان کشورهای‏ صادرکنننده نفت(اوپک)در یک مقطع نقش‏ ویژه‏ای در بازار داشته و موجب ارتقای بازار هم شده است.اوپک دیگر یک نیروی تنظیم‏ کننده مستمر نیست بلکه همچون یک شبکه‏ حمایتی عمل می‏کنند که از تنزل شدید و طولانی مدت قیمت‏ها جلوگیری می‏کند.

آیا از تحلیل رفتن منابع و ذخایر نفتی‏ نباید ترسید؟

-ما در مقطعی از زمان زندگی می‏کنیم که‏ با وفور منابع نفتی مواجه هستیم.چنانچه‏ منابع نفتی اکتشاف نشده را نیز منظور نماییم، می‏توانیم گفت که کره زمین نزدیک و نیم قرن‏ دیگر هم نفت خواهد داشت علاوه بر آن‏ فن‏آوری‏های جدید موجب کشف منابع نفتی‏ جدیدی خواهند شد که بتوان باز هم از نفت‏ ارزان‏قیمت برخوردار بود.

با توجه به وفور نفت آیا در آینده باز هم این ماده یک مقوله ژئوپلتیک خواهد بود.

-گمان نمی‏کنم که در آینده کشورهای‏ تولیدکننده نفت آگاهانه و از روی عمد تمایل‏ زیادی داشته باشند که از نفت به عنوان یک‏ سلاح استفاده نمایند.در گذشته تاوان‏

در میان منابع مختلف انرژی، هیدروکربورها،نفت و گاز همواره بر تأمین نیاز انرژی کره زمین‏ نقش اول را ایفاد می‏نمایند در 10 تا 20 سال آینده،سهم نفت در تأمین انرژی‏ بسیاری از نظرها را به خود معطوف خواهد نمود

ما در مقعطی از زمان زندگی می‏کنیم که‏ با وفور منابع نفتی مواجه هستیم‏ چنانچه منابع نفتی اکتشاف نشده‏ را نیز منظور نماییم، می‏توان گفت که کره زمین‏ نزدیک به نیم قرن دیگر هم نفت خواهد داشت

سنگینی برای این کار پرداخته‏اند.چرا که بعد از اولین شوک نفتی خود این کشورها با تحریک قیمت‏ها باعث شدند که بهره‏برداری‏ از منابع خارج از منطقه ایشان سودآور گردد. اما نمی‏توان این امر را منتفی دانست که برخی‏ از کشورها در اثر مسائل سیاسی غیرمنتظره مجبور به قطع تولید یا قطع صادرات نفتی خود بشوند.این احتمال در مورد میادین نفتی‏ مناطق مرزی از شدت بیشتری برخوردار است.

مطلب دیگری که بازار جهانی نفت با آن‏ مواجه است تراکم منابع نفتی در منطقه‏ خاورمیانه است.این منطقه دو سوم منابع‏ نفتی و یک سوم تولید جهانی را در اختیار دارد.بنابراین این منطقه امروز هم آوردگاه‏ بسیاری از تنش‏های سیاسی است.بدون شک‏ وجود نفت در این منطقه کاملا پیچیده،عامل‏ بی‏ثباتی این بخش از جهان است.

آیا وزن انرژی در اقتصادی که هرچه‏ بیشتر غیرفیزیکی می‏شود دچار ضعف نشده‏ است؟

-این مسئله در اقتصاد کلان می‏توان‏ مصداق داشته باشد.مثلا در فرانسه 20 سال‏ پیش سبد مصرف انرژی در کل معادل 5% تولید ناخالص داخلی بود.چگونگی واکنش‏ در قبال اولین شرکت نفتی از مهمترین‏ مشغله‏های ذهنی ما بود.اما امروز این رقم به‏ 1 تا 5/1 درصد تنزیل یافته است.با این‏ وجود هنوز تمامی کشورهای توسعه‏یافته‏ برای تأمین منابع انرژی خود بسیار حساس‏ می‏باشند.در میان منابع مختلف انرژی، هیدروکربورها،نفت و گاز همواره برای تأمین‏ نیاز انرژی کره زمین نقش اول را ایفا می‏نمایند.در 10 تا 20 سال آینده سهم نفت‏ در تأمین انرژی بسیاری از نظرها را به خود معطوف خواهد نمود.

آیا این امر سرنوشت کره زمین را مورد مخاطره قرار نخواهد داد؟

-در رابطه با آلودگی محلی که عمده آن، آلودگی شهری است،ما از نظر فنی توانایی‏ حل آنرا داریم.راه‏حل آن موجود است و در وسعت زیادی نیز به مرحله اجرا درآمده‏ است و در پنج یا ده سال آینده عمومیت نیز خواهد یافت.این مسأله بایستی تقریبا به‏ راحتی و با درصد بالایی از موفقیت جواب‏ دهد.درعین‏حال مسئله مهم گرم شدن جو کره زمین است که راه حل آن نیز مشکل‏تر بنظر می‏رسد.در مقام تئوری،برای تولید برق کافی است به جای زغال‏سنگ از گاز استفاده کرد و برای تثبیت گازهایی که‏ وضعیت گلخانه‏ای ایجاد می‏کنند از انرژی‏ هسته‏ای استفاده نماییم.اما این نظریه کمی‏ فن‏سالارانه است،چرا که حساسیت مردم را به حساب نمی‏آورد.در مقام عمل چینی‏ها را نمی‏تواند متقاعد نمود که در ازای میلیاردها تن زغال‏سنگ مصرفی خود از گاز استفاده‏ نمایند،آن هم از گازی که مجبورند از راه‏های‏ دور آنرا وارد نمایند..برعکس آمریکا امکانات آنرا دارد که زغال‏سنگ خود را جایگزین نماید.به‏هرحال این مسأله را باید جدی گرفت.در حال حاضر کشورها به‏ صورت پراکنده بحث‏هایی در این زمینه‏ دارند و در این رابطه وفاق بین المللی وجود ندارد.در این زمینه برای تغییر منش‏های‏ رفتاری بر مبنای تصمیم‏گیریهای جدی راهی‏ طولانی در پیش رو داریم.